



برخی قاتلانی که

پشیمان نیستند

برای طولانی مدت

تحت تأثیر شرایط

روحي و رواني بدی

قرار داشته اند که

نتیجه آن ارتکاب این

جنایت ها شده است.

به نوعی آنها با ارتکاب

قتل سعی می کنند

خود را از شرایط رواني

که در آن قرار دارند

رها کنند



نگاه کارشناسی

## ریشه های روانی قاتلانی که پشیمان نمی شوند

محمد حسینی، آسیب شناس

قتل ها به دودسته قتل های برنامه ریزی شده و اتفاقی تقسیم می شوند. در اکثر قریب به اتفاق قتل های اتفاقی، قاتل انگیزه ای برای کشتن نداشته و بعد از جنایت از کرده خود ابراز پشیمانی می کند اما در قتل های برنامه ریزی شده، فرد با انگیزه ای خاص و برای رسیدن به هدفی که در ذهن دارد برای جنایت برنامه ریزی می کند. سرقت، موضوعات ناموسی و اختلافات از جمله دلایل قتل های برنامه ریزی شده است. حال برخی اتفاقات باعث می شود قاتل برای کشتن قربانی خود را محق بداند و بعد از کشتن او هم از جنایت ارتكابی ابراز پشیمانی نمی کند. این اتفاق بیشتر در جنایت های ناموسی و خانوادگی دیده می شود. این افراد تحت تأثیر شرایط و اختلالات روانی، مرتکب قتل می شوند و اغلب این اختلالات در حدی نیست که رافع مسؤولیت آنها شود. برخی از آنها از روان پریشی، روان رنجوری و پارانوای رنج می برند. در روان پریشی فرد ارتباطی با واقعیت ندارد و بر اثر توهم و ذهنیتی که برای خود ساخته، فردی را مقصر شناخته و برای او حکم مرگ صادر می کند. در پارانوای، فرد حس تهدید و خطر پیدا کرده و فکر می کند از سوی مقتول در خطر است و برای رهایی از این خطر باید او را به قتل برساند. روان رنجوری هم حالت خفیف اختلال روانی است. البته گاهی ادعاهای آنها در جریان تحقیقات ثابت می شود و مقتول مهدورالدم شناخته شده و در این وضعیت قاتل از قصاص نجات پیدا می کند.

این قاتلان باید از سوی روان شناسان، جرم شناسان و جامعه شناسان مورد بررسی علمی قرار گیرند تا ریشه های ارتکاب قتل و ایجاد این دیدگاه در آنها مشخص شود. اغلب آنها برای طولانی مدت تحت تأثیر شرایط روانی و روانی بدی قرار داشته اند که نتیجه آن ارتکاب این جنایت ها شده است. به نوعی آنها با ارتکاب قتل سعی می کنند خود را از شرایط روانی که در آن قرار دارند، رها کنند. به همین دلیل، این ذهنیت را برای خود درست کرده اند که مقتول مستحق مرگ بوده است. البته این انگیزه تأثیری در ارتکاب قتل ندارد و بر اساس قانون مجازات، فرد در صورتی مجازات نمی شود که جنون او یا مهدورالدمی مقتول اثبات شود که اثبات آن فقط با طرح ادعا از سوی قاتل امکان پذیر نیست.

شتم!

نتوانسته  
گی به این  
سردروی  
بر ۴۰ ساله  
رسانده و  
مرد قاتل  
ق داشته  
شده تا

رانی اش از  
خانواده



مقتولان در کمیسیون تخصصی پزشکی قانونی اعلام شد داماد جنایتکار هنگام قتل سالم بوده است.

## م مرگبار به خاطر شوخی ناموسی

قاتل از اتباع افغان است و هموطن خود را در غرب تهران کشته است. مردی با پلیس تهران تماس گرفت و ادعا کرد در ساختمان نوسازی که کارگری می آید. با حضور پلیس در ساختمان آنها در یکی از واحدها با جسد روبه رو شدند و در کمد دیواری قاتل را با چاقو و لباس خونی دستگیر کردند. باغستان بود با قبول اتهام قتل هموطنش گفت: من و میلاد دوستان خیلی شوخ بود و من به شوخی هایش عادت داشتم. روز حادثه او شوخی تم ادامه نده اما گوشش بدهکار نبود. وقتی با عصبانیت اعتراض کردم ق خواهدم بوده و به او تجاوز کرده است. من سه خواهر دارم و هر سه ده مدعی بود چند سال قبل خواهرم را مورد آزار و اذیت قرار داده و الان هم برود و برای او وزندگی اش مشکل درست کند. زار دیگر نفهمیدم چه کار می کنم و با چاقو او را کاشتم، سزای کسی که تجاوز ست و من از کشتن دوستم ناراحت یا پشیمان نیستم. کسی که این کار را هیچ وقت هم از کشتن او پشیمان نمی شوم. با رد ادعای تجاوز، مدعی شدند پسرشان عاشق خواهر دوستش بود اما حال برای قاتل فرزندشان تقاضای قصاص دارند.



## مادر و مادر بزرگ برای پول

ونده هولناک با گزارش یکی از اهالی ساختمانی درباره گیری در دستور کار پلیس شیراز قرار گرفت. مأموران مان متوجه شدند چند نفر پسر همسایه را با پیراهن ز ساختمان خارج شده است. مأموران با ورود به واحد دو زن که مادر و دختر بودند روبه رو شدند، مقتولان با ل رسیده بودند.

می داد پسر جوان مادر و مادر بزرگش را کشته باشد دستگیر کردند. پسر ۱۸ ساله با اعتراف به قتل مادر و چند سال قبل پدر و مادرم جدا شدند و مادرم به خانه ن هم با پدرم زندگی می کردم اما همیشه مشکل مالی پول نمی داد. موضوع را به مادرم گفتم و او ادعا کرد مشکل مالی ام را رفع می کند. به خانه مادر بزرگم آمدم نکرد و مادرم هم پول نمی داد. این وضعیت خسته ام روز حادثه با همسر موضوع پول با مادرم دعوای من دخالت وارد دعا شد و من که عصبی بودم، چاقویی



برداشتم و هردوی آنها را کاشتم، بعد هم فرار کردم اما دیدم فرار فایده ندارد و کاری کردم تا دستگیر شوم. من از مردن آنها ناراحت نیستم، فکر می کنم باید کشته می شدند و من هم همین کار را کردم. ذره ای از کشتن مادر و مادر بزرگم پشیمان نیستم و مرگ حق آنها بود!